# اول ماه چه روزي بوده است؟

براي اثبات اول ماه نكاتي وجود دارد كه رعايت آنها ضروري و اجتناب ناپذير است و تمامي مسلمين خصوصاً زعماي ديني و مسئولين كشوري بايد به آنها توجه نمايند و هر كس عمل و وظيفه مربوط به خود را انجام دهد تا اولاً مردم تكليف صحيح شرعي خود را انجام دهند، ثانياً حتّي المقدور جلو خطاهاي فاحش گرفته شود و همگي وحدت ساز باشيم. در اين جا پنج مورد آن بررسي مي شود.

١ - قاعده يک در ميان و ضرورت اصلاح تقويم

ماه قمري دقيقاً ٢٩ روز و ١٢ ساعت و ۴۴ دقيقه و ٣ ثانيه يا ٢٩/٥٣٠٥٩٠٢٨ روز و هر سال قمري دوازده ماه و برابر با ٣٥۴/٣۶٧٠٨٣۴ روز است. براي سهولت محاسبات هر سال قمري را ٣٥۴ روز مي گيرند ، بدين جهت در يک سال، ۶ ماه سي روزي و ۶ ماه ٢٩ روزي وجود دارد[1].

براي جبران كسري سال ، هر سه سال يكبار ، يک روز اضافه مي شود ؛ يعني سال سوم ٣٥٥ روز خواهد بود ؛ چرا كه مقدار كسري در سه سال ، ٠/٣۶٧٠٨٣۴ × ٣ يا برابر ١/١٠١ روز مي شود.

نتيجه مهمي كه اين محاسبه دارد و نبايد از آن غفلت نمود ، «قاعده يک در ميان» است ؛ يعني در سال قمري ، ماهها يک در ميان ٣٠ و ٢٩ روز مي باشد .

حال با توجه به اين نكته مهم ، تقويم هاي سالهاي ١٣٨۴ و ١٣٨٥ را مورد توجه قرار مي دهيم : در تقويم هاي ١٣٨۴ ، چهار ماه پشت سرهم را قبل از ماه مبارک رمضان سي روزگرفته اند و از «قاعده يک در ميان» غفلت نموده اند . به عبارت ديگر ماههاي جمادي الاولي، جمادي الثاني، رجب و شعبان را سي روز اعلام گرده اند . در حالي كه اگر «قاعده يک در ميان» رعايت مي شد، اول رمضان ٨۴/٧/١٢ مي شد ؛ يعني دو روز زودتر از تقويم .

اواخر شعبان سال گذشته مردم ايران متوجه شدند كه با بعضي كشورها خصوصاً كشورهاي هم افق و نزديک مثل كويت و عربستان دو روز اختلاف دارند ؛ يعني ماه مبارک رمضان براي آنها از سه شنبه ٨۴/٧/١٢ مي باشد . اين امر ، غير معقول و در نتيجه غير قابل قبول بود . شايد به همين جهت بود كه رمضان در ايران بر خلاف تقويم بجاي پنجشنبه ، يک روز زودتر (١٣ مهر) شروع شد و ظاهراً كسي هم به آن ايراد نگرفت . در هر حال آن اختلاف دو روزي به يک روز تقليل يافت و مشكل نسبتاً حل شد.

در پايان ماه مبارک رمضان مجدداً ملاحظه شد كه كشورهائي مثل كويت و عربستان و امارات و حتّي تركيه و افغانستان و روسيه روز پنجشنبه ٨۴/٨/١٢ را عيد فطر گرفته اند ، در حالي كه ايران روز جمعه ١٣ آبان را عيد گرفت و عده اي هم روز پنجشنبه را - هر چند بعد از ظهر- عيد گرفتند .

اگر به قاعده يک در ميان عمل مي شد ، جمادی الثاني ٢٩ روز گرفته مي شد و سه نتيجه بوجود ميآمد:

اولاً : اول رمضان ٨۴/٧/١٢ ؛ يعنی دو روز زودتر از تقويم مي شد.

ثانياً : عربستان و كويت كه رمضان را دو روز زودتر اعلام كردند، كارشان صحيح بود.

ثالثاً : ماه مبارک رمضان بايد ٣٠ روز باشد و آخرش مي شود : چهارشنبه ١٣٨۴/٨/١١ و در نتيجه عيد فطر روز پنج شنبه ٨۴/٨/١٢ مي شد.

در تقويم هاي ١٣٨٥ ، نيز قاعده يک در ميان رعايت نشده و چهار ماه پشت سرهم (يعني ماههاي جمادي الثاني، رجب ، شعبان و رمضان) را سي روز اعلام گرده اند، و اگر قاعده يک در ميان رعايت مي شد:

---

١ - روز ٣٥۴ = ١٧۴ + ١٨٠ = (٢٩× ۶) + (٣٠×۶) .

نكته ديگري كه در اين جا وجود دارد اين است كه ماه قمري بيشتر از سي روز و كمتر از ٢٩ روز نيست. بر مبناي همين قاعده فقهاء فرموده اند: « اگر سی روز از شعبان بگذرد ، اول ماه رمضان ثابت ميشود» و نيازی به رؤيت هلال نيست.

اولاً : اول ماه مبارک رمضان برابر دوم مهرماه بوده ، نه سوم مهرماه و کسانی که دوم مهر را روزه نگرفته انـد ، لازم است قضاء آنرا بگیرند.

ثانیاً : در نتیجه شبهاي قدر یک شب جلوتر بوده و مردم با احیاء ، محروم از فیوضات الهي و درک شب قـدر بـوده اند.

ثالثاً : ماه مبارک رمضان ۳۰ روز و عید فطرسه شنبه ۱۳۸۵/۸/۲ خواهد بود، نه سوم آبان.

نتیجه : بر اساس قاعده یک در میان و لااقل تجربه سال قبل ، روز اول رمضان ، یکشنبه دوم مهر ماه بوده ، نـه دوشنبه سوم مهر ماه و عید فطر سه شنبه ۱۳۸۵/۸/۲ خواهد بود، نه سوم آبان.

## توجه

- این ضابطه محاسباتي است ، نه رؤیتي . در این جا بحث محاسباتي مورد توجه است و فقـط صـحبت از درک و پذیرفتن یک قاعده مسلم مي باشد که مبتني بر واقعیت خارجی؛ یعنی قاعده یک در میان مي باشد.
- اثبات اول ماه سه روش کلی دارد : یکی سي روز بودن ماه قبل و دیگری رؤیت هلال (بواسطه خود شـخص یـا شهادت دو مرد شاهد عادل یا شهادت یک عده) ، سوم حکم حاکم جامع الشرائط.

نکته اساسی این است که قاعده یک در میان یک ضابطه ریاضي و محاسباتي بوده و براي تنظیم تقویم خوب است. اول ماه فقط با همان سه روش مذکور اثبات مي گردد که در حالت دوم آن رؤیت هلال ضروري است.

- شرح لمعه ، ج ۲ ،جدول صفحه ۱۱۲ ماههاي قمري را یک در میان سي روز ذکر کرده است.

در هر حال ، یکي از عوامل مهم بروز اختلاف ، رعایت نکردن «قاعده یک در میان» است و رفع این اشکال بسیار ساده و شدني است . وزارت ارشاد اسلامي که چاپ و نشر در کشور یکي از وظائف اوست، میتواند خود را ملزم کند که تمام تقویم ها تاریخ هاي قمري را طبق «قاعده یک در میان» محاسبه و چاپ نمایند. در این راستا آستان قدس رضوي، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم ، سازمان تبلیغات کشور ، مؤسسه ژئو فیزیک و ... نیز در این امر مهم سهیم هستند. شایسته است این مراکز تقویم هاي خود را قبل از دیگران اصلاح نمایند و مراقب بقیه تقویم ها باشند.

۲- حجیت قول منجمین

یکي از مسائل مهم و قابل تأمل ، حجیت قول منجمین است . اگرقول آنها حجت است ، باید همه جا حجت باشـد و اگر حجت نیست در هیچ کجا نباید حجت باشد . چگونه قول منجمین در مـورد اذان هـای صـبح ، ظهـر و مغـرب حجت است ، ولی در مورد اول ماه قمري حجت نیست؟!!

این مسئله بسیار مهم بوده و نیاز به یک بحث گسترده و فنّي دارد که در آن فقاهـت ، کارشناسـي وبررسـي جدیـد جزء ضروریات آن است.

۳ - یکساني ماه هاي کشورهاي هم افق

ایران ، کویت ، بحرین ، امارات ، عمان و عربستان در یک افق (طول جغرافیائي) هستند . ایـران در مـدار۴۴ تـا ۶۳ درجه ، کویت در مدار ۴۶/۵ تا۴۸/۲۶ درجه ، بحرین در مدار ۴۹/۶ تا ۵۱ /۴ ، امارات در مـدار ۵۱ تـا ۵۶ ، عمـان در مدار ۵۲/۶ تا ۵۹/۸ و عربستان در مدار قبل از۴۴ تا ۵۶ درجه است.

به نقشه جغرافیائي زیر توجه نمائید:

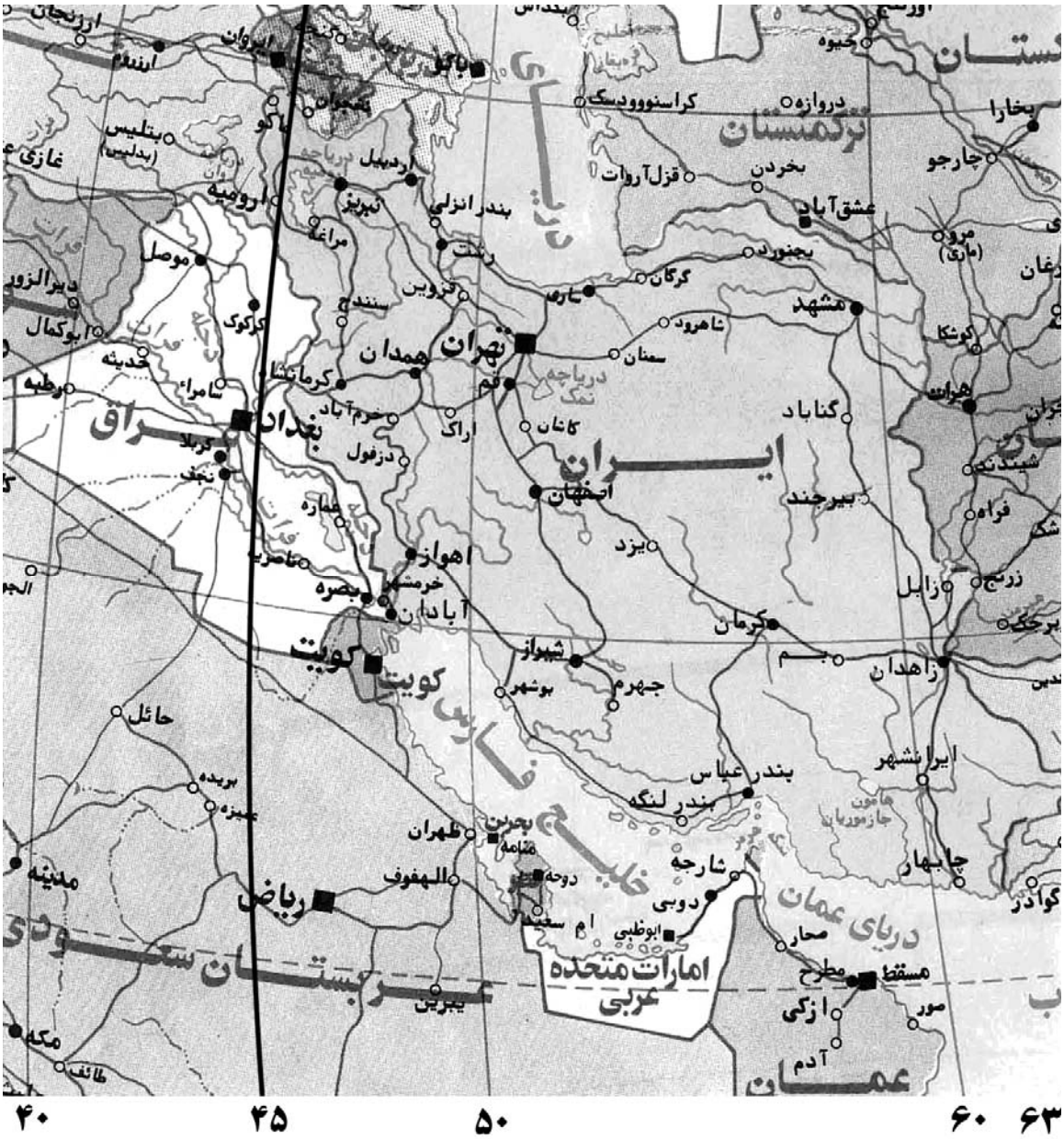


صرف نظر از مرزهاي بين المللي، اگر از كنار كرمانشاه خط مستقيمي (خط ۴۵ درجه) بـه طـرف جنـوب بكـشيم ، بصره ، عماره و ناصريه از عراق ، تمام كويت ،ظهران و رياض از عربستان و .... جزء ايران خواهند شد . حال آيا مـي توان پذيرفت اين كشورها و در واقع اين شهرهاي ايران دو يا يک روز اختلاف داشته باشند ؟

آيا كويت و بصره و عماره و آبادان و خرمشهر و اهواز و ... ، شهرهاي نزديک به هم و متحـد الافـق نيـستند؟ پـس چگونه در رمضان با هم اختلاف دارند؟

۴- اعتماد به معتمدين و مراجع

يكی از روش ها براي اثبات اول ماه ، اعتماد به معتمدين است . چرا شهادت افراد مورد اعتماد مرجع تقليد براي آن مرجع اطمينان مي آورد و گفته (نه رؤيت) مرجع براي مقلدينش مافوق اطمينان مي باشد و به مقلدين اعلام مـي شـود كه روزه خود را بخوريد و حتّي غير مقلدين هم گاهي اعتماد كرده و روزه خود را مي خورند ، ولي براي ساير مراجـع اطمينان نمي آورد ؟ آيا شهادت افراد معتمد يک يا چند مرجع بواسطه اعتماد آن مراجع تقليد براي بقيه مراجـع حجـت

نيست ؟ امسال و سالهاي گذشته شاهد آن بوده ايم كه افراد مورد اطمينان چند مرجع تقليد براي سـاير مراجـع و مـردم اطمينان نمي آورد.

نكته مهمتر

تعجب آورتر اين كه يک مرجع تقليد به افراد مورد وثوق خود اطمينان مي كند ، ولي به گفته چند مرجع تقليـد كـه مسلماً از علم و تقواي بسيار بالائي برخوردار هستند اطمينان پيدا نمي كند و چرا مردم از گفته آن مراجع تقليد اطمينان پيــــــــــــــــــــــــــــــدا نمي كنند؟

در اين زمينه بسيار شايسته است كه علماء اعلام و مراجع عظام اين نكتـه را نـصب العـين خـويش قـرار دهنـد تـا وحدت مسلمين در اين عيد بزرگ حفظ شود .

جائي كه قرآن كريم ، يهود و نصاري را به وحدت فرا مي خواند ((قل يا اهل الكتاب تعالَوا إلي كلمة سواءٍ بينـــنا و بيـنكم )) و همه مراجع عظام و مسئولين محترم مردم را به وحدت دعوت مي كنند ، سـزاوار نيـست كـه خـود عامـل وحدت باشند ، آنهم در مسئله بسيار مهم عيد سعيد فطر ؟

۵- تقليدي نبودن رؤيت هلال

لازم است مردم توجه داشته باشند كه مسئله رؤيت هلال و اثبات اول ماه تقليدي نيست . تقليد در جائي اسـت كـه مسئله ديني و ملاک كلي را دين بيان كرده باشد و فقيه بخواهد آنرا استنباط كنـد . در حـالي كـه رؤيـت هـلال ، يـک مصداق است ، مثل اين كه خون در لباس انسان باشد . تشخيص چنين اموري كاري با فقاهت ندارد و تشخيص آن بـه عهده خود مقلّد است.

به همين جهت ، بحث مقلدين يک مرجع و تابعيت آنها كاملاً غلط است . افراد فقط بايد يا خود ببيننـد يـا دو مـرد شاهد عادل يا افراد مورد اطمينان ببينند و شهادت دهند . پس رجوع مقلدين هر مرجع به مرجع تقليد خود براي اثبـات رؤيت هلال غلط است ، چه رسد به رجوع به غير مرجع خود .

و الحمد لله رب العالمين

سيد هدايت الله طالقاني – ۸۵/۷/۳۰